



ف . انگلس

« کتاب مکاشفه »

تحقیق دیگری از انگلس در باره مسیحیت اولیه

چند توضیح

در مورد شیوه ترجمه، نحوه تهیه و تنظیم یادداشت‌های پایان مقاله و تمام موارد کلی که به ترجمه فارسی این مقاله انگلس مربوط می‌شود، دقیقاً مبتنی بر همان نکاتی است که مترجمان در مقدمه‌های ترجمه فارسی دو مقاله دیگر انگلس (چاپ شده در شماره‌های اول و دوم "اندیشه‌رهای" تحت عنوان "چند توضیح") اشاره کرده‌اند و بمنظور جلوگیری از تکرار توضیحات مفصل (که آن نکات در مورد ترجمه مقاله حاضر نیز صادق است)، از خوانندگان می‌خواهیم که به صفحات ۱۷۷-۱۷۹ شماره اول و به صفحات ۱۶۹-۱۶۷ شماره دوم "اندیشه‌رهای" مراجعه کنند.

اما چند توضیح اختصاصی (بهمراه چند توضیح کم و بیش تکراری برای خوانندگانی که آن دو شماره را در اختیار ندارند)، درباره ترجمه مقاله انگلس در این شماره:

۱- مقاله "کتاب مکاشفه"، در آغاز، از متن اصلی (انگلیسی) آن به فارسی برگردانده شد. انگلس این مقاله را به زبان انگلیسی نوشته و برای اولین بار در نشریه Progress، شماره ۱۱، لندن، ۱۸۸۳، صفحات ۱۱۶-۱۱۲ تحت عنوان The Book of Revelation به چاپ رسیده بود. ترجمه فارسی از روی فتوکپی نسخه اصلی نشریه Progress، نگهداری شده در کتابخانه British Museum، لندن انجام گرفت.

۲- ترجمه فارسی دیگری از همین مقاله، بطور جداگانه، این بار از روی ترجمه

Marx-Engels. Sur la religion, Editions Sociales, Paris, 1972, PP. 202-209.

تحت عنوان *Le livre de l'apocalypse* (که این خود از همان متن اصلی منتشره در *Progress* به فرانسه ترجمه شده بود) ، تهیه شد .

۳- زمانی که اختلافات موجود در این دو ترجمه فارسی (از متن اصلی و ترجمه فرانسوی) مشخص شد ، برگردان فارسی از روی ترجمه فرانسوی ، مجدداً کلمه به کلمه (با دقت و تأکید بیشتر بر روی تفاوت های آن) با متن اصلی مقاله انگلس مقایسه شد و هر مورد اختلاف ، حتی اختلافات جزئی در مورد نحوه بیان ، دقیقاً مشخص گردید .

۴- در زمینه موارد اختلاف متن اصلی و ترجمه فرانسوی و حتی در زمینه اختلافات جزئی در مورد نحوه بیان ، همان شیوه ای را بکار گرفتیم که در شماره اول " اندیشه رهائی " (ص ۱۷۸) توضیح داده ایم .

۵- در " چند توضیح " شماره دوم " اندیشه رهائی " (ص ۱۶) نوشته بودیم :

" در متن ترجمه حاضر [چاپ شده در شماره ۲ نشریه] ، در برخی موارد ، در کنار معادل فارسی *يك* واژه یا *يك* اصطلاح ، اصل آن را به آلمانی در داخل پرانتز آورده ایم بی آن که معادل آن ها را در ترجمه فرانسوی نقل کنیم) . دلیل این امر اینست که در این موارد ، معادل های فرانسوی (هر چند غالباً گویا تر ولی در هر حال) با اصل آلمانی آن واژه ها و اصطلاحات کم و بیش تفاوت داشتند و یا دقیقاً یکی نبودند ."

این شیوه را در ترجمه " کتاب مکاشفه " تغییر داده و یا تکمیل کرده ایم بدینسان نحو : در ترجمه فارسی مقاله حاضر ، در موارد متعدد (فراوان تر از دو شماره گذشته) ، غالباً اصل انگلیسی معادل فارسی *يك* کلمه یا اصطلاح را بجای آوردن در متن مقاله به زیر نویس برده ایم و مضافاً در هر مورد ، در کنار آن ها ، کلمه یا عبارت بکار برده شده توسط مترجمان فرانسوی (با ترجمه فارسی شان) را آورده ایم . این کار بدو دلیل صورت گرفته است :

الف- با این که کلمات و عبارات مورد بحث در متن اصلی با کلمات یا عبارات انتخاب شده توسط مترجمان فرانسوی ابداعاً مفایر نیستند ولی دقیقاً یکی هم نیستند و همان طوری که در زیر نویس ها غالباً اشاره کرده ایم مترجمان فرانسوی بجای استفاده از معادل دقیقاً موجود آن واژه انگلیسی در زبان فرانسه ، از واژه های مشابه یا مترادف آن استفاده کرده اند . با این که بنظر یکی از ما ، که وظیفه تهیه و تنظیم

متن نهائی این ترجمه فارسی را برعهده داشت ، تقریباً در تمام این موارد کلمه یا عبارت انتخاب شده توسط مترجمان فرانسوی ، مناسب تر و غالباً گویا تر بنظر می‌رسید و به روانی ترجمه فارسی کمک می‌کرد ، با این حال ، بخاطر مقید بودن به متن اصلی ، از آوردن آن ها در متن ترجمه خود داری و بنقل آن ها در زیر نویس ها اکتفا کرده ایم .

ب- آوردن این کلمات یا عبارات انتخاب شده توسط مترجمان فرانسوی (همراه با ترجمه فارسی شان) ، به فهم بیشتر مطلب کمک می‌کند .

۶- در مورد نحوه تهیه و تنظیم یادداشت ها و منابع مورد استفاده در تهیه برخی از آن ها ، در شماره اول (صفحات ۱۷۹-۱۷۸) و در شماره دوم (صفحات ۱۶۹-۱۶۸) "اندیشه‌رهای" ، به تفصیل سخن گفته ایم و در اینجا ، اضافه کرده‌ام که جز سه یادداشت (یکی متعلق به انگلس و دو تا متعلق به مترجمان فرانسوی - که هر سه مورد مشخص شده اند) ، بقیه از طرف ما ، هم بمنظور ارائه حداقل اطلاعات لازم و هم بمنظور کمک در فهم بیشتر مطلب ، به پایان مقاله افزوده شده است .

۷- در ترجمه حاضر ، همان طوری که در شماره ۲ "اندیشه‌رهای" توضیح داده ایم در دو حالت ، کلمه یا عبارتی به فارسی در داخل پرانتز قرار دارد :

الف : کلمه یا عبارتی در متن اصلی مقاله وجود نداشت و در ترجمه فرانسوی آن به چشم می‌خورد . هر جا که کلمه یا عبارت اضافی در ترجمه فرانسوی مقاله به گویا تر شدن مطلب و فهم بیشتر آن کمک می‌کرد ، آن را در ترجمه حاضر آورده ایم ولی به منظور متمایز کردن ، آن ها را در داخل پرانتز قرار داده ایم و هر مورد ، در زیر نویس تذکر داده ایم که : " این کلمه (یا عبارت) در متن اصلی وجود ندارد ، از ترجمه فرانسوی آن نقل می‌شود " . نکته پیداست اگر کلمه یا عبارت اضافی در ترجمه فرانسوی وجود داشت ولی کمک چندانی به رساتر شدن ترجمه و فهم بیشتر مطلب نمی‌کرد ، در ترجمه حاضر نیآورده ایم .

ب- هر گاه کلمه یا عبارتی در داخل پرانتز در متن ترجمه وجود دارد ولی مشخص نشده اند ، متعلق به متن اصلی مقاله انگلس است .

۸- در مورد گروه‌های موجود در ترجمه مقاله حاضر همان امری صادق است که در شماره های گذشته نوشته ایم :

"گروه‌های فراوان در مقاله به منظور هر چه بیشتر مفهوم شدن ترجمه از طرف ما به متن اضافه شده اند" .

مترجمان : الف . صارمی

پرویز کمالی

نقد تاریخی و زبان شناسانه از انجیل ، تحقیق درباره قدمت ، منشأ ، و ارزش تاریخی نوشته های مختلفی که عهد عتیق و عهد جدید را تشکیل می دهند ، علمی است تقریباً ناشناخته در این کشور [انگلستان] جز در میان تنی چند از فقه شناسان در حال لیبرال شدن (۲) که می کوشند تا حدود امکان آنرا مخفی نگه دارند . این علم تقریباً بطور انحصاری ، آلمانی است . بعلاوه ، مقدار کمی از آن هم که از مرزهای آلمان گذشته است دقیقاً بهترین بخش آن نیست : این نقدیست آسان گیر (Latitudinarian) (۳) که به پیشداوری نداشتن ، به کامل و بی نقص بودن و در عین حال ، به مسیحی بودن خود مباحثات می کند . این (نقد می گوید که) (۴) کتابها [ی عهد جدید] ، دقیقاً وحی های روح القدس نیستند بلکه وحی های الهی اند (مع الواسطه) (۵) ، از طریق روح مقدس انسانی (۶) و غیره . بدینگونه است که (نمایندگان) (۷) مکتب توپینگ (۸) (نظیر بائر (۹) ، گفرور Gfroer و غیره) ، علاوه بر هلند و سوئیس در انگلستان [نیز] مورد توجه قرار گرفته اند ، و اگر بخواهیم در این زمینه کمی جلوتر برویم باید بسراغ اشتراوس (۱۰) رفت . همین روحیه ملایم (۱۱) ، ولی کاملاً ضد تاریخی ، برارنست رنان (۱۲) معروف - که جز سارق مفلوک نقد آلمانی [انجیل] چیز دیگری نیست - نیز حاکم است . در تمامی آثار رنان هیچ چیز - جز سانسیمانتالیسم زیبایی شناسانه ایده هائی که در آنها منعکس است و زبانی پر زرق و برق که همه [سرقتهایش] را می پوشاند - متعلق به خود او نیست ، با اینهمه ، ارنست رنان ، نکته درستی را بیان کرده است :

"اگر می خواهید ایده متمایزی (۱۳) از جوامع (Communities) اولیه مسیحی داشته باشید ، آنها را با تجمعات (۱۴) مذهبی روزگار ما مقایسه نکنید ، آن جوامع بیشتر به حوزه های محلی "اتحادیه بین المللی کارگران" شباهت دارند ."

و این درست است . مسیحیت همانگونه توده ها را بخود جلب کرده است که سوسیالیسم مدرن ، [یعنی] تحت اشکال فرقه های گوناگون و بیش از این ، از (مجرای) (۱۵) عقاید فردی متناقض - برخی [از این عقاید] روشن تر ،

برخی مغشوش تر و این بخش اخیر، اکثریت بزرگی را تشکیل می‌داد، و لسی تمامی آنها مخالف سیستم حاکم [یعنی] "قدرت‌های موجود" بودند.

بعنوان مثال کتاب **مکاشفه** خودمان را در نظر بگیریم، خواهیم دید بجای این که تاریک‌ترین و اسرارآمیزترین کتاب در تمامی عهد جدید باشد، ساده‌ترین و روشن‌ترین آن است. باید از خواننده بخواهیم آنچه را که کم‌کم نشان خواهیم داد فعلا قبول کند: این که کتاب [اپوکالیپس] در سال ۶۸ یا ژانویه ۶۹ عصر [میلادی] ما نگارش یافته است و این که، نه فقط تنها کتاب عهد جدید است که تاریخ [نگارش] آن بطور واقعی مشخص گردیده بلکه قدیمی‌ترین آن نیز هست. (سیمای) (۱۶) مسیحیت در سال ۶۸ رامی-توانیم در این [کتاب] همچون در یک آئینه مشاهده کنیم.

قبل از همه، فرقه‌ها و بازهم فرقه‌ها. در نامه‌ها به هفت کلیسای آسیا، حداقل سه فرقه ذکر شده‌اند که غیر از این در باره آن‌ها چیزی نمی‌دانیم: نیکلایت‌ها (۱۷)، بلعامیت‌ها (۱۸) و پیروان زنی که در آنجا با نام ایزابل (۱۹) مشخص می‌گردد. [در همین کتاب] گفته می‌شود که هر سه فرقه به پیروان خود، اجازه خوردن گوشتی را می‌دادند که برای بت‌ها قربانی شده‌اند و شیفته عمل زنا (۲۰) بودند. این یک امر شایان توجه است که با هر جنبش بزرگ انقلابی، مسئله "عشق آزاد"، جای برجسته‌ای را بخود اختصاص می‌دهد. برای بخشی از مردم، بدور ریختن قیود سنتی کهن که دیگر هیچگونه ضرورتی ندارند بعنوان یک پیشرفت انقلابی بشمار می‌رفت و برای بخش‌های دیگری از آن‌ها، همچون آئینی بموقع (Welcome-Bienvenue) که براحتی همه نوع روابط آزاد و ساده شده بین زن و مرد را در بر می‌گرفت. بخش‌های اخیر الذکر از نوع عامی و بی‌فرهنگ (Philistine) آن-، بنظر می‌رسد که دست‌بالا را داشته‌اند زیرا که "زنا" و امر خوردن "گوشت قربانی اختصاص یافته به بت‌ها" - که برای یهودیان و مسیحیان بشدت ممنوع بود ولی امتناع از [خوردن] آن گاهی اوقات می‌توانست خطرناک یا حداقل ناپسند باشد-، همواره در یک ردیف گذاشته می‌شد. این امر بروشنی نشان می‌دهد که طرفداران "عشق آزاد" (۲۱) ی که در اینجا ذکرشان رفت عموماً می‌کوشیدند که دوست‌همگان

باشند و همه چیز ممکنست داشته باشند جز جُریزه شهیدان را .

مسیحیت چنان هر جنبش بزرگ انقلابی ، توسط توده ها ساخته شد .

در دوره ای که فرقه های جدید ، ادیان جدید و پیغمبران جدید ، صد ظهور می کردند ، بنحوی کاملا ناشناخته برای ما ، در فلسطین پا گرفت .

مسیحیت ، در واقع ، يك حد متوسط محض است که ، بخودی خود ، از اصطکاک های متقابل مترقی ترین آن فرقه ها بوجود آمد ، و متعاقبا - بر اثر الحاق براهین یهودی اسکندرانی ، **فیلون** و بعدها ، نفوذ شدید رواقیون - بعنوان يك آئین شکل گرفت . در حقیقت ، اگر بتوان **فیلون** را پدر مسیحیت دانست **سه نك** ، عموی آن بود . عبارات کاملی از عهد جدید ، بنظر می رسد که تقریبا کلمه به کلمه از آثار او [**سه نك**] رونویسی شده اند ، از طرف دیگر ، در نوشته های طنز آمیز پرسپوس (۲۲) ، عباراتی را خواهید یافت که بنظر می رسد از عهد جدید - که در آن زمان هنوز نوشته نشده بود - اقتباس شده اند . از تمامی عناصر آئینی ، در **کتاب مکاشفه** هیچ رد پائی مشاهده نمی شود . در اینجا ، مسیحیت را در زمخت ترین شکل آن که به ما رسیده ، می یابیم . در این کتاب فقط يك نکته دگماتیک غالب [از میان تمام دگم های بعدی مسیحیت] ، بچشم می خورد : مومنین بر اثر از خود گذشتگی مسیح ، نجات یافته اند . ولی در مورد چگونگی و چرائی [آن] کمترین توضیحی ارائه نمی شود . آن [تنها دگم موجود] نیز جز يك مفهوم قدیمی یهودی و غیر یهودی (**Heathen-Païenne**) (۲۳) چیز دیگری نیست که [بر اساس آن می توان] خدا یا خدایان را با قربانی تسکین داد . و آن [مفهوم قدیمی] به این مفهوم اختصاصا **مسیحی** (کلمه مسیحیت را بطور واقعی بصورت يك دین جهانی در آورد) تبدیل شد که : مرگ مسیح ، قربانی بزرگی است [و این قربانی] ، یکبار برای همیشه کفایت می کند .

[در کتاب اپوکالیپس] هیچ نشانی از گناه اولیه (۲۴) نیست . هیچ چیزی در باره تثلیث (۲۵) [در آن وجود ندارد] . **عیسی** ، " بره " است ولی مادون خدا (۲۶) . در يك عبارت (فصل ۱۵ ، آیه سوم) ، در حقیقت همطراز موسی قلمداد می شود (۲۷) . بجای يك روح مقدس منحصر بفرد ، [در

د گم های شکل گرفته بعدی در مسیحیت ، در کتاب ایوکالیپس]، " هفت روح " خدا وجود ندارد (فصل سوم، آیه سوم و فصل چهارم، آیه پنجم) (۲۸) .
مقدسین کشته شده (شهدا) ، خدا را به انتقام فرا می خوانند :

" . . . تا کی بر ساکنین زمین داوری نمی کنی و انتقام خون ما را از آن ها نمی گیری ؟ " (فصل ششم، آیه دهم) (۲۹) .

يك چنین حسی [انتقام جویانه] ، بعد ها از مقررات شوریک اخلاقیات مسیحیت با دقت بیرون کشیده شد ولی در پراتیک ، بمحضی که مسیحیان بر کافران (Païens) (۳۰) تفوق یافتند ، با خشونت هر چه تمام تر بمورد اجراء گذاشته شد .

البته مسیحیت ، خود را [در این کتاب] ، صرفاً بعنوان فرقه ای از یهودیت معرفی می کند . بدینگونه است در نامه ها به هفت کلیسا :
" کفر آثانی را [می شناسم] که خود را یهودی (نه مسیحی) می گویند و نیستند بلکه از کنیسه شیطانند " (فصل دوم، آیه نهم) (۳۱) .
و همچنین (در فصل سوم، آیه نهم) :

" کسانی از کنیسه شیطان که می گویند یهودی هستند و نیستند (بچنگ تو می سپارم) " (۳۲) .

نویسنده [ایوکالیپس] مان ، در سال ۶۹ عصر [میلادی] ما ، به هیچ وجه تصور نمی کرد که مرحله جدیدی از تکامل مذهبی را نمایندگی می کند کسسه سرنوشت آن این بود بصورت یکی از بزرگترین عناصر انقلاب در آید (۳۳) .
همچنین وقتی که مقدسین در مقابل بارگاه خدا ظاهر می شوند ، قبل از همه ، . . . ۱۴۴ یهودی - . . . ۱۲ نفر از ۱۲ قبیله - بچشم می خورد و فقط بعد از اینهاست که غیر یهودیان (Païens) گرویده به این مرحله جدید یهودیت ، پذیرفته می شوند .

مسیحیت در سال ۶۸ [میلادی] ، در قدیمی ترین کتاب عهد جدید و تنها کتاب آن که معتبر [یعنی غیر جعلی] بود نش نمی تواند مورد تردید باشد ، بدینگونه ترسیم شده است . نمی دانیم مولف آن کیست . او خود را یوحنا می نامد (۳۴) . حتی ادعا نمی کند که یوحنا ی " رسول " (۳۵) باشد ، چرا که ابنیه " اورشلیم جدید " ، " نام های دوازده رسول بره " را در برداشت

(فصل ۲، آیه ۱۴) (۳۶) بنا براین، او [نویسنده کتاب اپوکالیپس] وقتی که کتاب را می‌نوشت، آن‌ها [دوازده رسول - و از جمله یوحنا رسول] باید مرده باشند (۳۷) این که او یهودی است از عبارت عبری فراروان در [نوشته به زبان] یونانی اش که اغلاط دستوری - بیش از کتاب‌های دیگر عهد جدید - در آن موج می‌زند، بروشنی نمایان است. در صورتی که این نکته - که با اصطلاح انجیل بروایت یوحنا رسول، نامه‌های یوحنا رسول و همین کتاب [یعنی "مکاشفه یوحنا رسول" (۳۸)، لا اقل توسط سه نویسنده مختلف نوشته شده اند، از طریق آئین (Doctrine) های متنازع (Clashing) (۳۹) مندرج در آن‌ها ثابت نشده باشد، زبان آن‌ها بوضوح نشان می‌دهد.

رویت‌های اپوکالیپتیکی، که (خمیر مایه) (۴۰) تقریباً تمامی مکاشفه را تشکیل می‌دهند، در اکثر موارد، کلمه به کلمه، از پیغمبران کلاسیک عهد عتیق و تقلید کنندگان بعدی شان - از "کتاب دانیال" (۴۱) (حدود ۱۹۰ سال قبل از عصر [میلادی] ما که وقایع پیش‌آمده در چندین قرن قبل را پیشگوئی می‌کرد) گرفته تا "کتاب خونخ" (۴۲) (اثری تقلبی به زبان یونانی که کمی قبل از عصر [میلادی] ما نوشته شده) -، اقتباس شده اند. ابداعات عجیب و غریب، حتی سرهم بندی رویت‌های دزدیده شده [از اپوکالیپس‌های قبلی]، بسیار حقیقند. استاد دانشگاه، فردیناند بناری (۴۳)، در سال ۱۸۴۱، سلسله درس‌هایی در دانشگاه برلن ارائه داد - و من آنچه را که متعاقباً خواهد آمد، مدیون آنم -، و در این درس‌ها ثابت کرد که مولف [اپوکالیپس] ما، رویت‌های ادعائی متعلق بخود را فصل به فصل و سطر به سطر، از کجا اخذ کرده است. بنا براین بی‌فایده است که "یوحنا"ی خود را در تمامی بوالهوسی‌هایش (Vagaries) (۴۴) دنبال کنیم. بهتر است مستقیماً بسوی نقطه‌ای حرکت کنیم که از راز يك کتاب در هر حال عجیب، پرده بر می‌دارد.

"یوحنا"ی ما در تقابل (۴۵) کامل با تمامی مفسران ارتودکس خویش که هنوز پس از گذشت بیش از هزار و هشتصد سال منتظرند که پیشگوئی‌های او متحقق شوند، هیچگاه از گفتن این باز نمی‌ماند: "زمان آن نزدیک است."

همه اینها بزودی بوقوع خواهد پیوست" (۴۶) . و این امر، اختصاصاً به بحرانی مربوط می‌شود که او [نویسنده ایوکالیپس] آنرا پیش بینی می‌کند و بوضوح کامل، انتظار دیدنش را دارد .

این بحران، نبرد بزرگ نهائی بین خدا و — همانطوری که دیگران او را نامیده اند — "آنته کریست" (۴۷) است . فصول تعیین کننده، فصول سیزده و پانزده اند (۴۸) . حشو و زواید پر زرق و برقِ پوچ را که کنار بگذاریم، "یوحنا" خروج حیوانی را از دریا مشاهده می‌کند که دارای هفت سر و ده شاخ است (شاخ‌ها اصلاً مورد توجه ما نیستند) :

"بنظرم آمد که یکی از سرهای حیوان وحشی که ضربتی مرگبار دیده بود، از زخم کشنده اش التیام یافت" (۴۹) .

این حیوان می‌بایست بمدت چهل و دو ماه (نیمی از هفت سال مقدس) علیه خدا و بره [عیسی]، بروی زمین با قدرت حکومت کند و تمامی انسان هسباء در طی این دوره مجبور می‌شوند که علامت این حیوان یا شماره — نام او را در دست راست یا پیشانی خود داشته باشند .

"این محتاج حکمت است و هر صاحب خردی می‌تواند عدد نام آن حیوان را که ۶۶۶ است حساب کند . چون این عدد بنام مـردی دلالت دارد" (۵۰) .

در قرن دوم [میلادی]، ایرنه (۵۱) هنوز می‌دانست که منظور از سسر زخمی شده و التیام یافته، امپراطور نرون بوده است . او [بعنوان] اولین آزار دهنده بزرگ مسیحیان متولد شده بود . به هنگام مرگ نرون شایعه‌ای بویژه در آخائی یا در آسیا پراکنده شد مبنی بر این که او نمرده بلکه فقط مجروح شده است، روزی از نو ظاهر می‌شود و حکومت وحشت را در سسر تا سرجهان گسترش خواهد داد (تاسیت، An، VI-22) (۵۲) . در همان ایام، ایرنه با نحوه قرائت (Reading) بسیار قدیمی دیگری آشنائی داشت (۵۴) که بر اساس آن، نام [نرون]، شماره ۶۶۶ را بجای ۶۶۶ ارائه می‌داد .

در فصل هفدهم (۵۵) حیوان هفت سر مجدداً ظاهر می‌شود و این بار، زن معروف سرخ جامه بر آن سوار است، که خواننده خود می‌توانسد

توصیف دلپذیر آن را در کتاب [اپوکالیپس] بیابد . در آنجا فرشتگیهای
برای یوحنا توضیح می‌دهد :

”آن حیوان که زمانی زنده بود و دیگر زنده نیست ۰۰۰ آن هفت سر
هفت تپه ای است که زن بر آن می‌نشیند و همچنین هفت پادشاه است
که پنج نفر از آن ها از سلطنت برکنار شده اند و یکی هم اکنون
فرمانروائی می‌کند و آن هفتمی هنوز نیامده است و هر وقت بیایند
فقط مدت کوتاهی دوام خواهد آورد . اما آن حیوان وحشی کسه
زمانی زنده بود و دیگر زنده نیست هشتمی است و با وجود آن [یوبا
وجود این ، او] یکی از آن هفت نفر می‌باشد ۰۰۰ آن زنی کسه
دیدنی شهر بزرگ است که بر پادشاهان جهان تسلط دارد ” (۵۶) .

در اینجا ، دو عبارت (Statements) روشن داریم (۵۷) :

۱- زن سرخ جامه [مظهر] روم است ، شهر بزرگی که بر پادشاهان جهان
فرمانروائی می‌کند .

۲- کتاب [اپوکالیپس] در زمان فرمانروائی ششمین امپراطور روم نوشته شد .
بعد از او امپراطور دیگری خواهد آمد که زمانی کوتاه سلطنت خواهد کرد ،
سپس نوبت به کسی خواهد رسید که ” یکی از آن هفت نفر ” است ، که زخمی
شده ولی شفا یافته ، و آن عدد اسرار آمیز ، نام او را در بر دارد و ایرتنه
هنوز [در اواخر قرن دوم میلادی] می‌دانست که [نام آن فرد] نرون است .
با آغاز شمارش از اوگوست : اوگوست ، تیر ، کالیگولا ، کلود و نرون را -

که پنجمی است - ، خواهیم داشت . فرد ششم ، که هنوز فرمانروائی می‌کند ،
گالبا ست که به تخت سلطنت نشستن او ، قیام لژیون ها ، خصوصاً در
گُل (۵۸) ، به رهبری اوتون ، جانشین او ، را بدنبال داشت . بنا بر این ،
کتاب [اپوکالیپس] ما ، باید در زمان گالبا ، که از ۹ ژوئن ۶۸ تا ۱۵ ژانویه
۶۹ سلطنت کرد ، نوشته شده باشد . این کتاب ، بازگشت نرون را بعنوان
یک امر قریب الوقوع پیش بینی می‌کند (۵۹) .

اما اینک [بپردازیم به] اثبات نهائی - [قضیه] عدد [۶۶۶ یا ۶۱۶] .

این امر نیز توسط فردیناند بتاری کشف شده بود و از آن زمان تا کنون ، این
کشف در دنیای علم ، مورد اعتراض احدی قرار نگرفته است .

قریب سیصد سال قبل از [ع] [ا] ما ، یهودیان استفاده از حروف را بمثابه
 نشانه های اعداد ، آغاز کردند . خام خام های شیفته ، جنبه صوری
 علم - "Les rabbins adonnés à la spéculation-The specu -
 "lative rabbis" در آن ، یک شیوه جدید از تعبیری رازگونه ،
 کابال (۶۰) ، را مشاهده می کردند . کلمات اسرار آمیز از طریق عددی که
 از جمع ارزش عددی حروف متشکله آن [کلمه] بدست می آمد ، بیـــــان
 می گردید (۶۱) . آن ها این علم جدید را Ghematriah - هندسه
 می نامیدند . (دقیقاً) (۶۲) همین علم است که "یوحنا" ی ما ، در اینجا ،
 [در اپوکالیپس] ، مورد استفاده قرار می دهد . ما باید ثابت کنیم که :
 ۱- عدد ، نام مردی را در بردارد و این نام ، نرون است . و
 ۲- راه حل همانقدر برای خواندن (۶۳) ۶۶۶ معتبر است که برای
 خواندن (۶۳) - به همان اندازه - قدیمی یعنی ۶۱۶ .
 حروف عبری و ارزش های شان را در نظر بگیریم (۶۴) :

נ	(nun) n	= 50
ר	(resch) r	= 200
ו	★ (vav) o بجای	= 6
נ	(nun) n	= 50
כ	★ (Keph) k	= 100
ס	(samech) s	= 60
ר	(resch) r	= 200

Neron Kesar ، امپراطور Néron به یونانی Nêron Kaisar [نوشته
 می شود] . حال اگر بجای (بکار گرفتن) (۶۵) املاء یونانی آن ، ما
 Nero Caesar لاتینی را به حروف عبری منتقل کنیم ، نون (n) آخر Neron
 و به همراه آن ، ارزش [عددی] پنجاه ، حذف می شوند . بدینگونه می رسیم به
 قرائت (۶۳) قدیمی دیگر [یعنی] ۶۱۶ ، و آزمایش (یا نمایش) (۶۶) ،
 همچنان که انتظار می رود ، کامل و بی نقص است (۶۷) .
 بدین گونه (محتوای این) (۶۸) کتاب اسرار آمیز [اپوکالیپس] ،

کاملاً برایمان روشن است . " یوحنا " ، بازگشت ترون را حوالی سال ۷۰ [میلادی] پیش بینی می کند و (پیش بینی می کند که) (۶۹) حکومت وحشت او چهل و دو ماه یا ۱۲۶۰ روز طول خواهد کشید . بعد از این ایام ، خدا ظاهر خواهد شد ، دشمن مسیح (۷۰) را شکست خواهد داد ، شهر بزرگ [روم] را طعمه آتش خواهد کرد و شیطان را برای يك مدت هزار ساله به زنجیر خواهد کشید ، امپراطوری هزار ساله (۷۱) آغاز خواهد شد و غیره و غیره . تمامی این ها امروزه برای افراد جاهلی (Ignorant Persons) که هنوز دلشان می خواهد برای محاسبه روز قیامت تلاش کنند ، هر گونه فایده ای (All interest) (۷۲) را از دست داده است . با این همه ، این کتاب [اپوکالیپس] بمثابة تابلوی اصلی (۷۳) از مسیحیتی تقریباً بدوی ، که بوسیله فردی از میان خودشان [از میان مسیحیان اولیه] تصویر شده ، بیش از دیگر کتاب های عهد جدید در مجموع ، دارای ارزش است .

توضیحات

۱- مترجمان فرانسوی مقاله بجای " کتاب مکاشفه " ، اصطلاح " کتاب اپوکالیپس " (Le livre de l'apocalypse) را بکار برده اند . انگس ، در اینجا ، اصطلاح متداول مسیحی درباره این کتاب را به عاریت گرفته است و البته ، در متن ، هر جا که از Revelation (وحی یا مکاشفه) استفاده می کند ، آنرا بصورت تاکیدی می آورد - که بنظر ما معادل در گیومه گذاشتن است (همانطوری که ما در زیر نویس های ترجمه مقالات انگس در دو شماره گذشته " اندیشه رهائی " ونیز در این شماره ، هر جا که از ترجمه فارسی کتاب اپوکالیپس منسوب به یوحنا ، نقل قول آورده ایم ، همه جا مکاشفه را داخل گیومه قرار داده ایم) . بهر حال ، بنظر ما ، استفاده از اصطلاح " کتاب اپوکالیپس " مناسب تر از " کتاب مکاشفه " (حتی بصورت تاکیدی) است . هر جا که ترجمه از متن مقاله انگس است ، به تبعیت از نویسنده ، همه جا

کتاب مکاشفه را (به همان صورت تاکید) آورده ایم و در سایر موارد — مانند —
کروشه ها (که همه جا از ماست) و یا در زیر نویس ها (در صورتی که نقل قول
از ترجمه های فارسی عهد جدید نباشد) —، اصطلاح اپوکالیپس را انتخاب کرده ایم.
در باره این که چرا در زیر نویس ها بجای "مکاشفه"، اصطلاح "اپوکالیپس" را ترجیح
می دهیم، مراجعه کنید به "اندیشه رهائی"، شماره اول، یادداشت شماره (۳۰)،
ص ۲۰۷.

۲- Liberalizing . در ترجمه فرانسوی مقاله بجای "در حال لیبرال شدن"،
لیبرال آمده است .

۳- Latitudinarian يك گرایش مذهبی بود در اوایل قرن هیجدهم . این
گرایش در زمینه مسائل اخلاقی سخت گیری نمی کرد ، برخی تغییرات در اصول
و دگم های دینی را می پذیرفت و در جهت حذف منکرات گام بر می داشت . مترجمان
فرانسوی مقاله انگلس بجای Latitudinarian (که معادل آن در فرانسوی
Latitudinaire است) ، واژه لیبرال (Libérale) را بکار گرفته اند . لیبرال
اگر چه دقیقاً همان Latitudinaire نیست ولی گنجه اندیشه انگلس را روشن تر
بیان می کند .

در زمان حاکمیت فتوایسزم (و متحد آن دین) ، لیبرال ها حاملین يك
دکترین سیاسی ، مبلغین آزادی فردی و آزادی وجدان و مخالفین دگم های مذهبی
بودند . و هنوز در روزگار ما ، گر چه لیبرالیسم در تحلیل نهائی ، عمدتاً يك
اقتصادی است و جناحی از بورژوازی ولی ، بر خلاف تصور چپ تك بُعدی ایسران ،
لیبرالیسم در عین حال ، يك مجموعه ، يك کل و دقیق تر این که ترکیبی است از
دکترین های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی . بخش اعظم چپ ایران ، بعد
از انقلاب تا چندی پیش (و حتی کم و بیش امروز) چه جار و جنجال ها در بساره
لیبرال ها و لیبرالیسم که براه نینداخت . تا جایی که نیمچه دیکتاتورهای مذهبی
نظیر بنی صدر و آخوند های بی عمامه ای مانند بازرگان را لیبرال خواند . بگذریم
از این که اسطوره های نظیر بنی صدر و بازرگان نه فقط در عرصه سیاسی ، اجتماعی ،
فرهنگی و مدنی ، مطلقاً بلکه از نظر بینش اقتصادی (اگر بینشی در این زمینه بتوان
برایشان قائل شد) هم لیبرال نیستند ، "لیبرال" اند .

۴- عبارت داخل پرانتز در متن اصلی مقاله وجود ندارد ، از ترجمه فرانسوی
آن نقل می شود .

۵- ایضا .

۶- روح القدس (Holy Ghost-Saint Esprit) یا روح مقدس (Sacred

(Spirit-Esprit Saint) ، خداست بمثابه سومین شخص در تثلیث که بدنبال پدر (خدا) و پسر (عیسی) می‌آید . روح القدس و روح مقدس با این که هر دو یکی است یعنی هر دو روح خداست ولی تفاوت‌هایی با هم دارند اولی بلا واسطه است ، دومی مع‌الواسطه . اولی منحصرًا مختص به خداست، دومی نه فقط قابلسال انتقال به پیامبرش (عیسی) بلکه قابل انتقال به شاگردان او (حواریون) و حتی قابل انتقال در هر انسان مومن و پرهیزگار و پارساست . اشاره انگلس در اینجا به تفسیرهای مفسران متأخر "عهد جدید" است وقتی که به کاریگل واداشته می‌شوند (در باره به کاریگل واداشته شدن مفسران "عهد جدید" در صفحه ۲۱۴ شماره اول "اندیشه‌رهائی" اشاراتی داشته ایم) ، یعنی زمانی که ثابت شد هیچ بخشی از "عهد جدید" ، کلام خدا نیست ، تماما جعلی و ساختگی است ، بجای "وحی روح القدس" بحث "وحی روح مقدس" را به پیش کشیدند .

در عهد جدید در باره روح زیاد بحث میشود (در این کتاب ۳۷۸ بار کلمه روح آمده است) ، عمدتا بمعانی متفاوت حتی متضاد که در اینجا وارد جزئیات نمی‌شویم (خوانندگان می‌توانند به "فرهنگ ادیان" که مشخصات آن در شماره دوم "اندیشه‌رهائی" ، ص ۱۸۱ ، ارائه شده ، به بحث مربوط به "روح مقدس در انجیل و تورات" ، صفحات ۳۳-۵۳۲ مراجعه کنند) . باری ، برای این که بروی تعابیر متفاوت و متضاد کلام خدا در باره یک امر اساسی در دین بنوعی سرپوش گذاشته شود ، در کونسیل نیسه (در باب کونسیل های نیسه مراجعه کنید به شماره اول "اندیشه‌رهائی" ، ص ۲۱۱) و قسطنطنیه (در ۳۲۵ و ۳۸۱ میلادی) فرمول تثلیث پیدا شد : پدر (خدا) ، پسر (عیسی) و روح القدس ، که در واقع یک خدا ای واحد است متجلی در سه شخص (در باره تثلیث در شماره گذشته "اندیشه‌رهائی" اشارات کوتاهی داشته ایم و برای توضیحات بیشتر در این مورد یعنی در مورد یکی از اساسی ترین دگم‌های مسیحیت می‌توانید به "فرهنگ ادیان" صفحات ۳۴-۱۷۲۴ مراجعه کنید) .

۷- این واژه در متن اصلی مقاله نیست ، از ترجمه فرانسوی آن نقل می‌شود .
 ۸- "مکتب توبینگ : مکتب مطالعات تورات - انجیلی (Biblique) است که در بخش اول قرن نوزدهم توسط فردیناند کریستیان بائر (۹) تأسیس شد . نقدی راسیونالیستی از انجیل (Evangile) که - اعضای این مکتب به آن دست یازیدند - با خصلت ناپیگیری و تمایل خویش در حفظ برخی از مباحث اساسی بیبل (Bible یا مجموعه "کتاب‌های مقدس" یعنی تورات و انجیل) ، که از نظر تاریخی مورد اعتماد باشند ، قابل تشخیص است . با این همه ، این محققان بی آن که خود بخواهند ،

در جهت کاهش اتوریتهٔ "بیبیل" گام های بلندی برداشته اند" . توضیح از مترجمان فرانسوی مقاله انگلس ، پیرانترها از ماست .

۹- Ferdinand Christian Baur (با برونو بائر Bruno Bauer اشتباه نشود) ، تاریخ تولد ۱۷۹۲ ، تاریخ مرگ ۱۸۶۰ ، فقه شناس پروتستان ، بنیانگذار مکتب توبینگ Tubingue (به انگلیسی Tubingen) ، استاد دانشگاه توبینگ .
۱۰- در باره D.F.Strauss مراجعه شود به شماره اول " اندیشه رهائی " ، شماره اول ، ص ۲۰۶ .

۱۱- Spirit mild ، در ترجمه فرانسوی مقاله : Esprit indulgent (روحیه با گذشت - روحیه توام با گذشت و اغماض) .

۱۲- در باره E.Renan مراجعه شود به " اندیشه رهائی " ، شماره اول ، ص ۲۰۵ .

۱۳- A distinct idea . در ترجمه فرانسوی مقاله : Une idée exacte (ایده یا تصور دقیقی) آمده است .

۱۴- در متن اصلی (انگلیسی) مقاله ، در اینجا Congregations آمده است . مترجمان فرانسوی مقاله بجای معادل آن در زبان فرانسسه (Congregations) از اصطلاح تقریبا مشابه آن در فرهنگ کلیسائی Communautés (احتمالا بدلیل این که ارست رُنان در اثر خود در هر دو مورد همین اصطلاح را بکار برده بود) ، استفاده کرده اند .

۱۵- در متن اصلی نیست ، از ترجمه فرانسوی مقاله نقل شده است .

۱۶- ایضا .

۱۷- در باره Nicolaites (انگلیسی Nicolaitanes) مراجعه شود به " اندیشه رهائی " ، شماره اول ، ص ۲۱۲ .

۱۸- در باره Balaamites مراجعه شود به همانجا ، همان صفحه .

۱۹- در باره Jézabel مراجعه شود به همانجا ، همان صفحه .

۲۰- در متن اصلی (انگلیسی) مقاله انگلس ، واژه The Fornication (زنا) بکار رفته است در حالی که مترجمان فرانسوی مقاله بجای معادل فرانسوی آن (La Fornication) از واژه عام تر (Débauche) که یکی از معانی آن فحشا ست استفاده کرده اند و بنظر ما واژه اخیر الذکر ، گویا تر و دقیق تر است (بدلیل آن در زیر اشاره خواهیم کرد) . ولی قبلا ببینیم زنا در اسلام و مسیحیت به چه معناست :

" زنا - (این اصطلاح فقهی) و داخل شدن ذکر است (ذکر بالغ ، عاقل)

در فرج زن محرم بدون عقد نکاح و ملک و وطنی به شبهه و اندازه آن، سر حشفه است همانقدر که سر حشفه داخل شد، زنا محسوب است البتسه در صورتی که عالم به حرمت باشد و مختار هم باشد و حکم آن در زنا، محصنه قتل است به رجم و جزآن و در غیر محصنه صد تازیانه است («فرهنگ معارف اسلامی» ، تالیف دکتر سید محمد سجادی، جلد دوم، چاپ شرکت مولفان و مترجمان ایران، ص ۵۰۴) .

در قرآن به دفعات درباره زنا (زنیم، یزنون، الزنا، والزانی، الزانیسه، والزانیه، زانیه) در سوره های مختلف بویژه در سوره « القلم النون » صحبت شده است . در زیر ترجمه « فارسی » سه آیه اول این سوره را از روی نسخه چاپ شده توسط « کتابفروشی اسلامیة » تهران خیابان بوذرجمهری، (چاپ مجدد) ۱۳۵۸، از روی قرآن سلطانی بخط طاهر خوش نویس که « با دستور فنی و نظریات اینجانب طاهر خوش نویس مکرر با حروف شماری غلط گیری شده و پس از آن جناب آقای حاج میرزا ابوالحسن شعرائی بعنوان بررسی به مقابله آخری پرداخته » نقل می کنیم (قبلا از این که این ترجمه « فارسی » بیشتر به زبان یا جوج و ما جوج نوشته شده است از فارسی زبانان پوزش می خواهیم) :

« اسوره ایست که فرو فرستادیم آنرا و فرض کردیم آنرا و فرو فرستادیم در آن آیت های واضح باشد که شما پند گیرید .^۱ زن زنا کار و مرد زنا کار، پس بزنید هر یک از دورا صد تازیانه و نباید که بگیرد شما را در آن دورا فتی در دین خدا اگر هستید که می گوید به خدا و روز باز پسین و باید که حاضر شوند عذاب آن دوتا را گروهی از گروندگان .^۲ مرد زنا کار نکاح نمی کند مگر زن زنا کار یا زن شرکه را و زن زنا کار نکاح نمی کند او را مگر مرد زنا کار یا مشرک و حرام کرده شده آن بر گروندگان » (صفحات ۲۵-۳۲۴) .

در مسیحیت زنا (Fornication) به همان مفهومی است که در اسلام وجود دارد (دقیق تر این که این یکی دیگر از مواردی است که اسلام از مسیحیت اقتباس کرده است) ، یعنی روابط جنسی دو فرد که بطور شرعی ازدواج نکرده اند . بر گردیم به بحثی که در سطور اول این یاد داشت موقتاً رها کردیم . واژه عام فسق و فجور یا فحشاء (Débauche) در ترجمه فرانسوی از واژه خاص زنا (Fornication) در متن اصلی مقاله، گویا تر و (در رابطه با کتاب اپوکالیپس منسوب به یوحنا) دقیق تر است . و بکارگیری آن از طرف انگلس نوعی تسامح در انتخاب واژه دقیق بنظر می رسد (و بدیگر سخن، او تسامحاً یکی از اصطلاحات

فقهی زمان خود را در باره يك كتاب مربوط به مسيحيت اوليه بكار گرفته است) . از جمله بدلايل زير :

۱- بطوری که بعداً هم اشاره خواهیم کرد ، مفهوم خاص زنا (اگر کتاب اپوکالیپس محک قضاوت باشد) ، در مسيحيت اوليه وجود نداشته است و اين یکی از دگم-هائيست که چند قرن بعد در کونيسل ها وارد مسيحيت شده و حدود و مقررات آن تنظيم يافته است .

۲- ورود واژه زنا (Fornication) در غالب زبان های اروپائی جديد است . مثلاً اين واژه در اوائل قرن دوازدهم وارد زبان فرانسه شده است (رجوع کنید بسسه "فرهنگ روبر") . اين واژه مشتق است از اصطلاح فقهی لاتن Fornicatis و Fornix (يعنی زن فاحشه - La prostituée) . سابقه تاريخی اين واژه بسر می گردد به روم قدیم که زنان فاحشه در اطاق های طاق دار (Fornices) ، در پشت دیوارهای خانه ، مردان را می پذیرفتند (مراجعه کنید به همانجا) .

۳- در برخی از ترجمه های "عهد جديد" (از جمله Nouveau Testament - مشخصات اين کتاب را در "اندیشه رهائی" ، شماره اول ، ص ۲۱۰ ارائه داده ایم) ، در مورد همین عبارت مورد اشاره انگلس ، بجای Forniquer ، بنظر ما ، بدرستی فعل Se prostituer را بكار گرفته اند :

Nouveau Testament, Apocalypse de Saint Jean, P. 591

۴- و مهم تر از همه اينها ، همانطوری که در شماره اول "اندیشه رهائی" ، ص ۱۴۲ ، به هنگام اشاره به تناقضات موجود بين مسيحيت اوليه (بر اساس قدیمی ترین سند آن يعنی اپوکالیپس يوحنا) و مسيحيت بعدی (يعنی زمانی که دگم های مسيحيت چند قرن بعد ، تنظيم و تکميل شدند) ، با استفاده از مندرجات مقاله انگلس ("اداء سهم نسبت به تاريخ مسيحيت اوليه") از جمله گفته ایم که صف مقدم عرش الهی ، یکصد و چهل و چهار هزار مرد قرار داشتند ، مردانی باکره که تن خود را در تماس با تن يك زن هرگز نیالوده اند (اپوکالیپس يوحنا ، فصل چهاردهم ، آیه سه چهارم) . بنا براین ، در اين قدیمی ترین سند مسيحيت اصلاً مقوله زنا و غير زنا مطرح نیست ، مردان مقرب خدا ، "مردان باکره" اند . بحث بر سر ازدواج شرعی و غير شرعی نیز نیست . آنچه مطرح است "نیالودن" تن يك مرد به تن يك زن است (زنان که جای خود دارند چرا همانطوری که در مقاله اشاره شده انگلس ، در شماره اول "اندیشه رهائی" ، دیده ایم در بارگاه خدا ، حتی يك زن نیز وجود ندارد) .

با آنچه گذشت ، با علم به نارسا و غير دقيق بودن واژه "زنا" در اینجا ، بخاطر

حفظ امانت نسبت به متن اصلی، در ترجمه فارسی از این واژه استفاده کرده ایم.

۲۱- بجای Free lovers، "طرفداران عشق آزاد" گذاشته ایم. در ترجمه فرانسوی مقاله: Les sectateurs de l'amour libre (فرقه های پیرو عشق آزاد) آمده است. هم در متن اصلی و هم در ترجمه فرانسوی مقاله، منظور فرقه هائیسست که در زمان مسیحیت اولیه وجود داشت که طرفدار روابط آزاد جنسی بین زن و مرد بوده اند.

۲۲- در باره Persius مراجعه کنید به "اندیشه رهائی"، شماره ۲، ص ۱۸۵.

۲۳- از این که به چه دلیل Païen را در اینجا (در جایی که بحث بر سر مسیحیت اولیه است)، غیر یهودی ترجمه می کنیم، مراجعه شود به "اندیشه رهائی"، شماره ۲، صفحات ۱۸۲-۱۸۳.

۲۴- در باره "گناه اولیه"، مراجعه شود به "اندیشه رهائی"، شماره اول، ص ۲۱۲.

۲۵- در باره "تثلیث"، مراجعه شود به همانجا، ص ۲۱۱ و نیز به یاد داشت شماره (۵) در همین شماره.

۲۶- پس از شکل گیری دگم های مسیحیت در کونسیل ها، همانطوری که در یاد داشت شماره ۵ همین شماره نیز اشاره کرده ایم، با ایجاد دگم تثلیث است که مسیح همطراز خدا قلمداد می شود. در "عهد جدید" نیز بدفعات از مسیح بعنوان "خداوند ما" نام برده می شود.

۲۷- "سرود موسی بنده خدا و سرود بره را می سرائید..." ("مکاشفه یوحنا" رسول"، فصل پانزدهم، آیه سوم. بنقل از ترجمه فارسی، چاپ تهران، کسه مشخصات آن در شماره اول "اندیشه رهائی"، ص ۲۰۵ ارائه شده است).

۲۸- الف:

"به فرشته کلیسای سارد بنویس: اینست سخنان آن کسی که دارای هفت روح خدا و هفت ستاره است..." (همانجا، فصل سوم، آیه سوم، به نقل از همان ترجمه فارسی).

- ب:

"از آن تخت [خدا] برق ساطع می شد و غرش رعد شنیده می شد. در جلوی هفت مشعل سوزان می سوخت این ها هفت روح خدا هستند" (همانجا، فصل چهارم، آیه پنجم، بنقل از همان ترجمه فارسی. گروه از ماست).

۲۹- به نقل از همان ترجمه فارسی، ص ۲۷۸.

۳۰- در یاد داشت شماره ۲۳ در همین شماره نوشته ایم "بچه دلیل Païen را در اینجا (در جایی که بحث بر سر مسیحیت اولیه است)، غیر یهودی ترجمه می کنیم".

البته دلیل آنرا در همین یاد داشت (۲۳)، به توضیحات مندرج در شماره دوم "اندیشه رهائی"، صفحات ۱۸۲-۱۸۳ ارجاع داده ایم. اما در اینجا چرا همان واژه **Païen** را کافر ترجمه کرده ایم؟ دلیلش بسیار روشن است. بحث بر سر دو مورد متفاوت، دوره مشخص تاریخی است: زمانی که بحث بر سر یک دین جدا نشده از یهودیت، برکنار از قدرت و زمان دیگری که این تفکیک بطور کامل انجام یافته است و دین قدرت دولتی و اهرم های آن را بدست گرفته است. شاید مثال ساده ای نزدیک به زمان ما بتواند موضوع را روشنتر کند. در زمان شاه، مجاهدین برای کلیه سردمداران کنونی رژیم ولایت فقیه، از جمله خمینی، "مسلمان" بودند (گویا "انحرافات" نیز داشته اند که البته گفته نمی شد). حتی خمینی در اعلامیه های خود در زمان شاه، برای زندانی بودن این "بچه مسلمان ها"، چه فراوان اشک تمساح می ریخت. اما همین واژه "مسلمان" وقتی مفهوم قبلی خود را از دست داد که دین (یا روایتی از دین) بقدرت رسید، در این وقت نه فقط مجاهدین بلکه بسیاری از گروه ها و افراد مسلمان معتقد، "منافق"، "غیر مسلمان"، "بظاهر مسلمان"، حتی "محارب"، "ضد خدا و اسلام" نام گرفتند. مسیحیت نیز وقتی که در "کونسیل ها" بطور کامل از یهودیت جدا شد، وقتی که بصورت دین دولتی درآمد، نه تنها تمام غیر مسیحیان بلکه حتی کلیساهای مسیحی (بویژه در شرق)، که روایت کونسیل ها از مسیحیت و دگم های آنرا قبول نداشتند، کافر، مرتد، ضد خدا و مسیح نامیده شدند و مورد تکفیر قرار گرفتند.

بهر تقدیر، یک واژه، می تواند در دوره های تاریخی متفاوت، مفهوم یا مفاهیم رایج متفاوتی داشته باشد و ما در ترجمه های مقالات انگلس در باره مسیحیت اولیه، کوشیده ایم (هر جا که به ذهن مان رسید)، این تفاوت ها را در ترجمه فارسی منعکس کنیم.

۲۱- به نقل از ترجمه فارسی دیگری از عهد جدید (که مشخصات آن در شماره دوم "اندیشه رهائی"، صفحات ۱۸۶-۱۸۷، ارائه شده است)، "مکاشفه یوحنا ی رسول"، ص ۳۷۹. در متن، پرابنتر از انگلس و گروه از ما است. توضیحا اضافه کنیم که در ترجمه فارسی عهد جدید چاپ تهران، در اینجا و در نقل قول دیگری از "مکاشفه یوحنا ی رسول" که متعاقبا نقل می شود، بجای "کنیسه شیطان" (**Synagogue of Satan-Synagogue de Satan**) "جماعت شیطان" ترجمه شده است که این دومی بیشتر نقل به مفهوم است تا ارائه تصویری (ایماژ).

۲۲- این عبارت نه طبق معمول از ترجمه های فارسی بلکه مستقیما از متن مقاله

انگلس به فارسی برگردانده شد و عبارت داخل پرانتز نیز که در متن اصلی مقاله وجود ندارد از ترجمه فرانسوی آن نقل گردید، چرا که این عبارت در د و ترجمه فارسی، در یکی غیر دقیق و در دیگری، نامفهوم است. در مورد نکته اخیرالدکتر در ارتباط با د و ترجمه فارسی عهد جدید (۱)، در شماره دوم "اندیشه رنسانسی" در یاد داشت شماره ۴۱، صفحات ۱۸۸-۱۸۷ سخن می‌نهد ا ب م.

۳۳- انگلس همین مفهوم را در مقاله دیگری ("اداء سهم نسبت به تاریخ مسیحیت اولیه") بنحوروشن تری ارائه داده است، که به نقل از ترجمه فارسی آن در شماره اول "اندیشه رهائی"، ص ۱۹۰ در زیر نقل می‌شود:

"نویسنده ما در سال ۶۸ میلادی، هیچ فکر نمی‌کرد که مرحله جدیدی از تکامل مذهبی را نمایندگی می‌کند، تکاملی که می‌بایست یکی از انقلابی ترین عوامل در تاریخ تفکر بشری در آید."

۳۴- "من یوحنا، برادر شما، که در اتحاد با عیسی در رنج و پادشاهی و در برد باری شما شریک هستم و بخاطر موعظه کلام خدا و شهادت به عیسی در جزیره ای بنام پاتموسن مقیم بودم".
" (بنقل از ترجمه فارسی "مکاشفه یوحنا ی رسول"، چاپ تهران، فصل اول، آید نهم).

۳۵- در ترجمه این مقاله ما به پیروی از ترجمه های فارسی عهد جدید که "حواری" - *Apostle, Apôtre* - را "رسول" ترجمه می‌کنند (مانند "پولس رسول"، "یوحنا ی رسول" و غیره)، در برخی موارد، بمنظور ایجاد نوعی تداومی (مثلا بین "یوحنا ی رسول" و کتاب منسوب به او "مکاشفه یوحنا ی رسول")، از همان واژه "رسول" استفاده کرده ایم.

۳۶- "دیوارهای شهر بر دوازده سنگ بنا شده بود و بر آن سنگ ها نام های دوازده رسول بره منقوش بود". ("مکاشفه یوحنا ی رسول"، به نقل از ترجمه فارسی چاپ تهران، ص ۷۰۴).

۳۷- چرا که نویسنده کتاب اپوکالیپس (که چند قرن بعد، این کتاب، "اپوکالیپس سن ژان" یا "مکاشفه یوحنا ی رسول" نام گرفت)، هر که باشد نمی‌توانست باصطلاح "یوحنا ی رسول" باشد. نویسنده کتاب به ادعای خود در "اپوکالیپس"، شهر جدید اورشلیم (و نیز دیوار شهر، دوازده سنگ آن و نام دوازده "رسول بره" بر آن سنگ ها) را دیده بود:

"شهر مقدس یعنی اورشلیم تازه را دیدم که از آسمان از جانب خدا مانند عروسی که برای شوهرش آراسته و آماده شده باشد، بزییر می‌آمد" (همانجا

فصل ۲۱، آیه ۲، بنقل از همان ترجمه فارسی، ص ۷۰۳).

و طی چند صفحه (در فصول ۲۱ و ۲۲)، این شهر بنا شده را در کوچک تری — جزئیات آن تصویر می کند. بنا بر این، بطوری که انگلس نشان می دهد، نویسنده اپوکالیپس نمی تواند "یوحنا ی رسول" باشد (که این آخری، گویا خود یکی از "دوازده رسولان" بود).

۳۸. — بعنوان یاد آوری به خوانندگان غیر مسیحی متذکر می شویم که در "عهد جدید"، علاوه بر اپوکالیپس یوحنا ("مکاشفه یوحنا ی رسول" ، ترجمه فارسی عهد جدید — چاپ تهران، صفحات ۲۰۷-۶۶۸)، یکی از چهار انجیل موجود یعنی "انجیل به روایت یوحنا ی رسول" (همان ترجمه فارسی، صفحات ۳۰۸-۲۵۰) و سه "نامه" (همانجا، صفحات ۶۶۳-۶۴۹) به این فرد منتسب است که این سه نوشته، بقول انگلس، "لا اقل" توسط سه فرد مختلف، در زمان های مختلف و در از هم نوشته شده اند و هیچیک از این ها، نوشته موجود افسانه ای بنام "سن ژان" — "یوحنا ی رسول" نیستند.

۳۹. — در ترجمه فرانسوی مقاله: **Contradictioires** (ضد و نقیض).

۴۰. — این واژه در متن اصلی مقاله وجود ندارد، از ترجمه فرانسوی آن نقل می شود.
۴۱. — در باره کتاب دانیال، مراجعه شود به "اندیشه رهائی"، شماره اول، ص ۲۰۹.

۴۲. — در باره کتاب خونخ، مراجعه شود به همانجا، همان شماره، همان صفحه. ضمناً اضافه کنیم که توضیحات مربوط به کتاب دانیال و کتاب خونخ در ترجمه فارسی، از طرف ما در داخل پیرانتز قرار داده شده اند تا خواندن این عبارت طولانی راحت تر صورت گیرد.

۴۳. — در باره فردیناند بناری، مراجعه شود به همانجا، همان شماره، ص ۲۱۷.

۴۴. — در ترجمه فرانسوی مقاله: **Toutes ses sottés inventions** (تمامی ابداعات ابلهانه اش).

۴۵. — در متن اصلی **Opposition** و در ترجمه فرانسوی: **Contradiction** (تناقض — تضاد).

۴۶. — این عبارت بدفعات بسیار متعدد در سرتاسر کتاب اپوکالیپس تکرار شده است. همانطوریکه انگلس در سطور بعد و نیز در طی دو مقاله چاپ شده در شماره های گذشته "اندیشه رهائی" (بویژه در مقاله "اداء سهم نسبت به تاریخ مسیحیت اولیه" چاپ شده در شماره اول "اندیشه رهائی")، گفته و ما نیز (در تائیدی و توضیح مطالب انگلس)، در یاد داشت های متعدد اشاره کرده ایم، منظور

نویسندۀ اپوکالیپس از عباراتی نظیر "زمان نزدیک"، "قریب الوقوع"، "بزودی فرا می‌رسد" و غیره، آینده بسیار نزدیک، در زمان حیات خود را در نظر داشت، یعنی سال‌های هفتاد میلادی (قضیه زخمی شدن و نمردن نرون، بازگشت او بعنوان دشمن مسیح، قتل عام مسیحیان، پیروزی خدا بر شیطان، زنده شدن شهیدای دین، آغاز حکومت هزار ساله و در یک کلمه، راز عدد ۶۶۶). اما مفسران بعدی یوحنا، تفسیرهای دیگری از آن ارائه دادند که بقول انگلس "در تقابل کامل" با تصورات "یوحنا"ست، با این تفسیرهای شیادانه، قریب هیجده قرن، توده‌های مذهبی ساده لوح را فریب دادند تا این که در سال ۱۸۳۶، بناری، با کشف "معمای" عدد ۶۶۶، به یک شارلاتانیسم ۱۸۰۰ ساله مذهبی خاتمه داد. در زمینه، نکته اخیر الذکر، بویژه مراجعه کنید به یادداشت ۱۰۲، در شماره اول "اندیشه‌رهای"، ص ۲۲۰.

۴۷- در باره "آنته کریست"، مراجعه شود به همانجا، همان شماره، ص ۲۱۸، و همچنین به یادداشت شماره (۷۰) در همین شماره.

۴۸- برای مطالعه این دو فصل مراجعه شود به ترجمه فارسی عهد جدید، چاپ تهران، "مکاشفه یوحنا ی رسول"، صفحات ۶۹۰-۶۸۸ و ۶۹۲-۶۹۳.

۴۹- به نقل از همان ترجمه فارسی، همانجا، ص ۶۸۸.

۵۰- به نقل از همانجا، ص ۶۹۰.

۵۱- در باره Irenée (به انگلیسی Ireneaus)، مراجعه شود به شماره اول "اندیشه‌رهای"، ص ۱۲۸.

۵۲- در مورد Achaie یا Akhaia مراجعه شود به همانجا، ص ۲۱۹.

۵۳- تاسیت TACITUS (۱۱۷-۵۵ میلادی)، مورخ معروف رومی و دو اشرار از معروفترین آثار تاریخی او عبارتند از:

- "تاریخ‌ها" (Histoires به لاتن Historiae)، اثری در ۱۲ کتاب مربوط به تاریخ روم، از مرگ نرون تا مرگ دومیتین یعنی از ۶۹ تا ۹۶ میلادی. از "تاریخ‌ها"، چهار کتاب اول و بخش‌هایی از کتاب پنجم به زمان رسیده است.

- "سالنامه‌ها" (Annales)، مرکب از ۱۶ تا ۱۸ کتاب که بین سال‌های ۱۱۵ و ۱۱۷ میلادی نوشته شده‌اند. این اثر نیز مربوط به تاریخ روم است، از مسرگ اگوست تا مرگ نرون یعنی از سال ۱۴ تا ۶۹ میلادی. از "سالنامه‌ها"، کتاب‌های یک تا چهار و کتاب‌های یازده تا شانزده و نیز بخش‌هایی از کتاب‌های پنجم و ششم باقی مانده است.

در متن اصلی (انگلیسی) مقاله، انگلس نوشته است: (Tacitus, An, VI, 22)

یعنی : An مخفف Annales-Annual ، کتاب ششم ، ص ۲۲ ولی مترجمان فرانسوی مقاله انگلس آنرا بشکل زیر نوشته اند : (Tacite, His, 11-8) یعنی : His مخفف Histoires ، کتاب یازدهم ، ص ۸۰ ما با این که د و اشراف فوق الذکر تاسیت را در اختیار نداریم ولی آنچه انگلس نوشته به احتمال قوی درست است (چرا همانطوری که در فوق ذکر کردیم بخش هائی از کتاب ششم " سالنامه ها " درست است) ، ولی آنچه مترجمان فرانسوی آورده اند حتماً نادرست است (چرا با توجه به آنچه در فوق آمده ، کتاب یازدهم " تاریخ ها " به زمان ما نرسیده است) . بهر حال ، بنظر می رسد که مترجمان فرانسوی آن سهو قلمی را به هنگام آوردن نقل قولی در زیر نویس ترجمه خود (به احتمال قوی از کتاب ششم " سالنامه ها ") ، جبران کرده باشند . آنچه در زیر ، در داخل گیومه ، نقل می شود ، در زیر نویس متن اصلی مقاله انگلس ، وجود ندارد ، از زیر نویس ترجمه فرانسوی نقل می شود :

" در [اثر] تاسیت می خوانیم :

Sub item tempus Achaia atque Asia falso exterritae, velut Nero adventaret, varro super exitu ejus rumore, eoque, pluribus vivere eum fingentibus credentibusque.

در همان دوره آخائی یا آسیا ، دستخوش وحشتی بی پایه بودند مبنی بر این که گویا نرون بر می گردد ، زیرا که شایعات متعددی در رابطه با مرگش وجود داشت و بسیاری ، افسانه ای را ابداع کرده بودند و می پنداشتند که او هنوز زنده است ."

۵۴- در ترجمه فرانسوی بجای " نحوه قرائت بسیار قدیمی دیگری " ، " روایت دیگری " (Une autre version) آمده است .

۵۵- در متن اصلی (انگلیسی) مقاله انگلس آمده است " فصل دوازدهم " که البته اشتباه است و همانطوری که مترجمان فرانسوی مقاله نوشته اند ، " فصل هفدهم " درست است . گرچه در فصل دوازدهم ، " حیوان هفت سر . . . ظاهر می شود ، ولی زن " سرخ جامه " ، توضیحات " فرشته به یوحنا " و نیز نقل قولی که انگلس متعاقباً می آورد ، همه مربوط به فصل هفدهم است ، نه دوازدهم .

۵۶- به نقل از ترجمه فارسی عهد جدید ، چاپ تهران ، " مکاشفه یوحنا ی رسول " ، فصل هفدهم ، صفحات ۶۹۷-۶۹۶ . تاکید ها همه جا از انگلس است . کروشیه (بعلت نارسا بودن ترجمه فارسی) از ما ست .

۵۷- در ترجمه فرانسوی : Ce passage nous fournit deux indications :

claires (قطعه فوق د و نشانه روشن را در اختیار ما قرار می دهد) .

۵۸- در باره گُل (Gaule) مراجعه شود به " اندیشه رهائی " ، شمساره دوم ، صفحات ۱۸۴-۱۸۳ .

۵۹- برای روشن تر شدن مباحث د و پاراگراف فوق ، مطالعه، صفحه ۱۹۸ " اندیشه رهائی " ، شماره اول و زیر نویس های مربوط به آن ، همانجا ، ص ۲۱۸ ، توصیه می شود .

۶۰- در باره Cabale یا Kabbale (به انگلیسی Kabbala) مراجعه شود به همانجا ، همان شماره ، ص ۲۰۸ .

۶۱- برای روشن تر شدن مباحث مطروحه در این پاراگراف (و تا پایان مقاله حاضر) ، مراجعه به مقاله دیگر انگلس (" اداء سهم نسبت به تاریخ مسیحیت اولیه ") چاپ شده در همانجا ، بویژه صفحات ۱۹۸-۲۰۰ و زیر نویس های مربوطه (صفحات ۲۱۹-۲۱۸) ، الزام آور است .

۶۲- این کلمه در متن اصلی وجود ندارد ، از ترجمه فرانسوی مقاله نقل می شود .

۶۳- Reading و در ترجمه فرانسوی بجای معادل فرانسوی آن (Lecture) ، روایت (Version) آمده است .

۶۴- حروف عبری و ارزش های عددی آن که در زیر آورده می شود ، عینا از متن اصلی مقاله انگلس (به انگلیسی) نقل شده اند . در اینجا توضیح در مورد د و نکته ای که با علامت (★) مشخص شده ضروری است :

★ در شماره اول " اندیشه رهائی " به اعتبار ترجمه فرانسوی مقاله انگلس (" اداء سهم نسبت به تاریخ مسیحیت اولیه ") و نیز به اعتبار تابلوی حرف عبری مندرج در فرهنگ معین (جلد پنجم، ص ۱۱۵۶) ، که در یاد داشت شماره ۹۶ در همان شمساره " اندیشه رهائی " از آن سخن گفته ایم (و این امر در ترجمه فرانسوی مقاله " کتاب ایو کالیپس " نیز تکرار شده) ، در تمام موارد بجای $V=Vau=0$ و بجای $Koph=k(Q)$ آمده بود ولی بطوری که در تابلوی مذکور در فوق (ارائه شده از جانب انگلس) مشاهده می شود آنها ، $V=Vav=0$ و $Keph=K$ ضبط شده است .

۶۵- فعل داخل پرانتز در متن اصلی مقاله انگلس نیست ، از ترجمه فرانسوی آن نقل می شود .

۶۶- در متن اصلی مقاله انگلس واژه Proof بکار رفته است . مترجمان فرانسوی مقاله بجای معادل آن در فرانسه یعنی Preuve یا Epreuve از واژه - Démons tration استفاده کرده اند که در اینجا ، گر چه به همان مفهوم است ولی رنگ آمیزی متفاوتی دارد .

۶۷- " املاء نام فوق [نرون] ، با یا بدون نون دوم ، با املاء [آن در] تلمود

در انطباق و در نتیجه، معتبر است" (توضیح از فرد ریش انگلس) .

در باره **ظهور** مراجعه کنید به "اندیشه رهائی"، شماره اول، ص ۲۱۹ .

۶۸- عبارت داخل پرانتز در متن اصلی مقاله انگلس نیست، از ترجمه فرانسوی آن نقل می‌شود .

۶۹- ایضاً .

۷۰- در متن اصلی (انگلیسی) مقاله، انگلس بجای اصطلاح عام **Antéchrist** (دشمن مسیح)، بدرستی اصطلاح خاص **Antichrist** (دشمن مسیح) را بکار می‌برد . در حالی که مترجمان فرانسوی در ترجمه مقاله، در اینجا به اشتباه، از اصطلاح عام **Antéchrist** استفاده کرده‌اند . در باره اصطلاح **Antéchrist** در شماره اول "اندیشه رهائی"، صفحه ۲۱۸ توضیح داده و گفته‌ایم که اصطلاح از ابداعات سلسله مراتب روحانی کاتولیک در قرن دوازدهم میلادی است . خوانندگانی که سه مقاله چاپ شده از انگلس در سه شماره "اندیشه رهائی" و زیر نویس های آن ها را بدقت دنبال کرده باشند به تفاوت این مفهوم خاص و عام واقفند فقط در اینجا بطور گذرا اشاره می‌کنیم که قدیمی ترین سند مسیحیت یعنی اپوکالیپس یوحنا، بطوری که انگلس در این مقاله و بطور کامل تر در مقاله "اداء سهم نسبت به تاریخ مسیحیت اولیه" (چاپ شده در شماره اول "اندیشه رهائی")، نشان داده است، دشمن مسیح به مفهوم خاص یعنی **نرون** می‌بایست "در سال ۷۰" یا سال های هفتاد میلادی ظاهر شود و حکومت وحشت ۴۲ ماهه برپا دارد به کشتار و آزار مسیحیان بپردازد و بعد خدا وارد صحنه می‌شود و به حکومت وحشت خاتمه می‌دهد، روز قیامت آغاز می‌گردد، مسیح و شهدای دین از نو زنده می‌شوند، حکومت هزار ساله برپا و دنیا پر از عدل و داد می‌گردد و بقیه ماجراها . اما وقتی پیشگوئی های نویسنده اپوکالیپس که نه "حواری" بود و نه "رسول" (قبل از اینکه، چند قرن بعد، این کتاب، "اپوکالیپس سن ژان" یا "مکاشفه یوحنا ی رسول" بشود)، غلط از آب در می‌آید، بطوری که در زیر نویس های متعدد این مقالات انگلس دیده ایم، شاید ان دینی، تفسیرهای جدید از آن پیشگوئی ها و تاریخ های جدید ابداع می‌کنند و هر بار که این تفسیر ها و تاریخ ها دروغ از آب در می‌آیند، بی هیچ شرمی، تفسیر ها و تاریخ های جدید تری ارائه می‌دهند و در همین رابطه است که اصطلاح عام فقهی **Antéchrist** در قرن دوازدهم ابداع می‌شود و از این بی‌بعد، دشمن مسیح، دیگر بمعنای اصلی اولیه آن یعنی **نرون** نیست بلکه **Antéchrist** هر کسی است که با مسیح، دین او، رهبران دینی و کلیسای کاتولیک به مخالفت برخیزد .

۷۱- در باره حکومت هزار ساله (Millennium - Millénaire) مراجعه کنید به "اندیشه رهائی"، شماره اول، ص ۲۰۴، برای قرائت توصیف این افسانه - مراجعه کنید به "مکاشفه یوحنا رسول"، فصل بیستم، تحت عنوان "سلطنت هزار ساله"، ترجمه فارسی، چاپ تهران، صفحات ۷۰۲-۷۰۱.

۷۲- در ترجمه فرانسوی مقاله *Toute signification* (هر گونه معنا یا مفهومی) .

۷۳- اصلی را بجای *Authentic-Authentique* قرار داده ایم که مفهوم مخالف آن جعلی و بدلی است . انگلس در این سه مقاله چاپ شده در سه شماره "اندیشه رهائی" (بویژه در مقاله "اداء سهم نسبت به تاریخ مسیحیت اولیه" منتشر شده در شماره اول نشریه)، یکی از نکاتی که در توضیح، تدقیق و اثبات آن کوشیده اینست که از میان تمامی کتاب هفتصد و چند صفحه ای "عهد جدید" (اگر صفحات ترجمه فارسی چاپ تهران آنرا در نظر بگیریم)، فقط يك کتاب حد و ناچهل صفحه ای، "مکاشفه یوحنا رسول" وجود دارد که نویسند ه آن هر که باشد (که حتماً يك موجود افسانه ای معروف به "یوحنا رسول" نیست)، يك کتاب غیر جعلی است بدین معنا که مدرکی است قابل استناد در زمینه شناخت از وضعیت مسیحیان اولیه در حوالی سال ۶۸ یا ۶۹ میلادی . کتابی است که در همین سال ها نوشته شده است (بر خلاف بقیه عهد جدید که لااقل یکی دو قرن بعد از آغاز قرن مسیحی، توسط رهبران دینی - ولی بنام "رسولان" یا "حواریون" - نوشته شده واز سر تا پا جعلی و ساختگی اند) . البته لازم به تذکر نیست که *Authentique* یا غیر جعلی بودن این سند یا "تابلو"، هرگز - حاشا! - بمعنای قبول تمامی مندرجات این کتاب و هذیان گوئی های نویسند ه آن در ابعادی شگفت آور در زمینه "وقایع" ابلهانه، عجیب و غریب، توصیف بارگه خدا، عذاب های الهی، پایسمان کار و نابودی جهان، بهشت خدا بروی زمین و غیره نیست بلکه منظور، آن بخش از کتاب اوست که در خلال آن، وضع زندگی مسیحیان اولیه، مبارزات فرقه های مختلف و متعدد مسیحی با هم و با غیر مسیحیان، خواست ها، اعتقادات، امیدها، ناامیدی ها، آرمان ها و غیره شان ترسیم شده بویژه همانطوری که انگلس در طی سه مقاله نشان داده، با توجه به همین سند اصلی است که در می یابیم مسیحیت بعنوان نقطه حرکت چه بوده و در طی چند قرن (وقتی که بصورت دین دولتی و جهانی درآمده)، چه تغییرات شگفتی کرده و تا چه حد استحاله یافته است و دقیق تر این که برای این که بصورت دین جهانی درآید چرا و چگونه می بایست استحاله پیدا کند .